

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۰۵-۲۲۸

## ملاحظات در تصحیح مخطوطات کهن قرآنی برمبنای شیوه کارل لاخمان در

### تصحیح متون<sup>۱</sup>

آلاء وحیدنیا<sup>۲</sup>

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

### چکیده

فهم دقیق اصطلاحات مربوط به شیوه‌های توسعه یافته در غرب جهت تصحیح متون می‌تواند در رویکرد محققان نسبت به تصحیح متن نسخه‌های خطی قرآن بسیار مؤثر باشد و مانع از بدفهمی‌های احتمالی و در پی آن نتایج نادرست در تحقیقات تخصصی این حوزه شود. این مقاله با تکیه بر روش لاخمان به بیان اصطلاحات مربوط به این شیوه در حوزه مطالعه دست‌نویس‌های کهن قرآنی می‌پردازد و می‌کوشد نشان دهد که در مرحله نخست از این روش یعنی گردآوری و طبقه‌بندی شواهد باقی مانده، ارائه مصادیق دقیق این اصطلاحات تا چه اندازه می‌تواند در تعیین وزن هر نسخه در فرآیند تصحیح و شکل‌گیری شجره‌نسب دست‌نویس‌های کهن به جامانده از قرآن مؤثر باشد. هم‌چنین نوشتار حاضر در مرحله تصحیح و گزینش در روش لاخمان نیز برآن است که امکان تطبیق هریک از اصول آن در خصوص نسخ قرآنی را بررسی کرده و نیز نمره بنانه‌نهادن سازواره انتقادی از متن دست‌نویس‌های کهن قرآن را تبیین کند.

**کلیدواژه‌ها:** تصحیح متن، مخطوطات قرآنی، روش لاخمان، قرآن صنعاء.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

۲. رایانامه: a.vahidnia@ihcs.ac.ir

### مقدمه

در طی قرون متمادی لزوم دست یافتن به شبیه‌ترین نسخه به نسخه اصلی که کم‌ترین فساد و دست‌برد در متن آن رخ داده باشد فن تصحیح متون را پدید آورده است؛ چرا که در بسیاری از موارد نسخه اصلی از دست رفته و نسخه‌های فراوانی از روی نسخه اصلی استنساخ شده است و بازهم نسخه‌هایی دیگر از روی آن نسخه‌ها و به همین ترتیب تا دوران معاصر که از صنعت چاپ بهره‌مند شده‌ایم. بنابراین وقتی یک نسخه خطی را در دست داریم دقیقاً نمی‌دانیم که با چند واسطه از نسخه اصلی قرار دارد و سعی خواهیم کرد که در میان نسخ موجود، به دنبال کم واسطه‌ترین نسخه با نسخه مادر<sup>۳</sup> بگردیم. هرچند همیشه باید در نظر داشت که اقدم نسخ لزوماً اصح نسخ نیست؛ چه بسا نسخه‌ای بسیار کهن را کاتبی ناشیانه استنساخ کرده یا امانت را در استنساخ رعایت نکرده باشد. در تصحیح متون تا آنجا که امکان دارد باید به دنبال بازسازی متن اصلی کتابت شده توسط نویسنده باشیم. بدیهی است که مراد از تصحیح متن، درست گرداندن اشتباهات آن نیست، بلکه مراد «بحاصل آوردن نسخه‌ای است از اثری که بر اساس عرض دادن و مقابله کردن نسخه‌های خطی معتبر و مؤثق آن اثر فراهم آمده باشد، به طوری که نسخه مذکور، چه از جهت مفهوم و معنی و چه از بابت لفظ و صورت، عین نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه داشته است، و یا الاقل هیأتی داشته باشد که مؤلف اثرش را به مانند آن و یا نزدیک به آن فراهم آورده است»<sup>۴</sup>.

روند تصحیح انتقادی متون در غرب و در جهان اسلام به شیوه‌ای متفاوت دنبال شده است. در جهان اسلام تصحیح نسخه از همان روزگار نخست بسیار حائز اهمیت بوده است. نقش اصحاب حدیث هم در تبیین و روشن‌سازی مستندات انتقال متن قابل توجه است. وجود مفاهیمی هم‌چون سماع، قرائت، اجازه و جز اینها در روایت یک کتاب همه نشان‌دهنده اهتمام دانشمندان اسلامی به روند صحیح انتقال متون و آثار بوده است. از سوی

دیگر ماهیت خط عربی و رسم الخط ناکامل آن در آن دوران، استنساخ صرف از روی یک نسخه را بدون تسلط به متن بسیار دشوار می‌کرده است. به ویژه قرائت از روی نسخه‌های قرآن، به دلیل ویژگی‌های خط عربی، بسیار دشوار و بدون حفظ داشتن آن تقریباً غیر ممکن بوده است.<sup>۵</sup> بنابراین متن مکتوب تنها در کنار روایت شفاهی معنادار بوده است.

چنین اهمیتی نه تنها برای قرآن یا حدیث، به عنوان متنی مقدس، بلکه در مورد متون و آثار دیگر هم چون شعر نیز وجود داشته است. تا آن‌جا که روایت اشعار از کسانی که شعر را صرفاً از روی متن مکتوب روایت می‌کرده‌اند، مورد قبول واقع نمی‌شده است. ابن سلام جَمَحی (د. ۵۲۳۲هـ) در این خصوص گزارش می‌دهد که: *إنما العلم علم العلماء بالشعر و أهل الرواية الصحيحة، أما أهل الصحف الذين يروون من صحيفة فلا يروى عنهم*<sup>۶</sup> (همانا علم، علم عالمان به شعر و اهل روایت صحیح است، اما کسانی که اهل صحیفه‌اند و از دفتر و صحیفه روایت می‌کنند، روا نیست از آنان روایت شود)؛ هم‌چنین گفته: *ليس لأحد أن يقبل من صحيفة ولا يروى من صحفى*<sup>۷</sup> (روا نیست که کسی چیزی را از صحیفه بپذیرد و یا از صحفی/دفتر خوان روایت کند).

اما در غرب تصحیح انتقادی متون به معنی اخصّ کلمه در ادامه تلاش‌هایی بوده که عالمان مسیحی برای تدوین متن قابل اعتمادی از انجیل از حدود قرن چهارم میلادی آغاز کرده بودند. این تلاش‌ها نتیجه آگاهی مسیحیان به فساد بود که در متن انجیل در نتیجه دست‌بردهای عامدانه و غیر عامدانه در متن انجیل رخ داده بوده است.<sup>۸</sup> طی قرون هجدهم و نوزدهم میلادی تصحیح انتقادی مخطوطات، به‌ویژه کتاب مقدس به شکلی قاعده‌مند با تلاش‌های دانشمندان اروپایی، گسترش یافت.<sup>۹</sup>

5. Bloom, 100.

۶. ابن سلام، ۵.

۷. همانجا.

۸. نک. امیدسالار، تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین، ۱۱.

۹. برای تفصیل نک. همو، ۷-۳۲.

### شیوه لآخمان در تصحیح متون

اوج کاربرد شیوه‌های نوین توسعه یافته در غرب در نسخه انتقادی کارل لآخمان<sup>۱۰</sup> از کتاب مقدس که در سال ۱۸۳۱ برپایه دست نوشته‌های مربوط به سده چهارم و پیش از آن تهیه شده بود نمایان شد. هرچند وی هیچ‌گاه به طور مستقل مطلب یا درس‌نامه‌ای در خصوص روش و رویکرد خود در تصحیح متن نگاشت، اما شیوه کار او که به شیوه لآخمان معروف شد توسط دیگران تحلیل، معرفی و ترویج شد. از نخستین کسانی که به توصیف قاعده‌مند شیوه لآخمان دست زد پاول ماس<sup>۱۱</sup> بود که با انتشار کتابی تحت عنوان Textkritik در ترویج شیوه لآخمان نقش بسزایی داشت.<sup>۱۲</sup>

### مرحله نخست: recension یا گردآوری و دسته‌بندی شواهد

در روش لآخمان اساس کار و نخستین گام در تصحیح نسخه، گردآوری شواهد باقی مانده و دسته‌بندی و مرتب‌سازی آنها است. این کار را اصطلاحاً recension می‌نامند؛ زیرا از این طریق می‌توان نسخه‌هایی را که متعلق به یک گروه یا خانواده‌اند تشخیص داد، مثلاً نسخه‌هایی که نوع خاصی از خطای نگارشی در متن آنها تکرار شده است. اساساً در روش لآخمان دسته‌بندی نسخه‌ها بر پایه تشابه اغلاط افتراقی که نسخه‌های دارای اختلاف‌ها یا وارینت‌های (variant) مشابه را از یکدیگر متمایز می‌کند استوار است و نه اشتباهات رایج نگارشی.

تعداد نسخه‌های موجود از یک اثر ممکن است بسیار متفاوت باشند. برخی از آثار با تعداد محدودی نسخه خطی به دست ما رسیده، اما شمار دست نوشته‌های موجود از متونی چون عهد جدید و قرآن به نحو چشم‌گیری بیش از هر اثر ادبی دوران باستان است. رهیافت یا رویکرد مصحح متن به فرایند خلق یک نسخه مصحح از یک متن کلاسیک، متأثر از

10. Karl Lachmann 1793-1851.

11. Paul Maas 1880-1964.

12. Maas, P., *Textual Criticism*.

کیفیت و کمیت نسخه‌های به جامانده از آن اثر است و روش کار مصحح (modus operandi) نیز باید بر پایه نوع متن و تعداد نسخه‌ها و مقدار اختلاف‌های نسخ تعیین شود. در این مرحله تنها احصاء تعداد نسخه‌ها ملاک نیست بلکه باید ارزش هر نسخه در بررسی و تصحیح نیز محاسبه شود. ایده ارزیابی ارزش هر نسخه جهت تصحیح عهد جدید نخستین بار توسط بنگل مطرح شد.<sup>۱۳</sup> یوهان آلبرشت بنگل<sup>۱۴</sup> یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در پیشبرد روش‌های تصحیح متون است که وقتی که با سی هزار اختلاف در چاپ متن یونانی کتاب مقدس مواجه شد تصمیم گرفت خود شخصا به مطالعه انتقال متن کتاب مقدس بپردازد. وی پیشنهاد داد که شواهد مختلف متنی را نباید تنها شمارش و احصاء کرد بلکه ارزش این شواهد و نسخه‌ها را نیز باید سنجید و آنها را به صورت دسته، خانواده، قبیله و ملت دسته‌بندی کرد؛<sup>۱۵</sup> به عنوان مثال در طی این ارزیابی برخی از نسخه‌ها به عنوان نسخه‌هایی غیر مستقل و کپی شده از نسخه‌ای شناخته می‌شوند که آن نسخه اصل خود موجود است، لذا نسخه‌های کپی شده از دایره بررسی‌ها خارج می‌گردند (eliminatio codicum descriptorum).

در این مرحله از روش لاخمان سعی می‌شود که یک شجره نسب (stemma codicum) برای نسخه‌های باقی مانده از اثر رسم شود و ارزش و اهمیت هر نسخه در تصحیح مشخص شود. در میان نسخه‌های دست‌نویس کهن نسخه‌ای به خط مؤلف یا مورد تأیید نهایی وی که بتوان آن را «نسخه مؤلف» یا «نسخه منقول عنها» نامید بسیار اندک است. در حوزه مخطوطات قرآنی نیز چنین نسخه‌ای از قرآن که بتوان با اطمینان آن را کتابت شده به دست پیامبر و یا تحت نظر وی و یا حتی کتابت شده توسط یکی از صحابه نزدیک پیامبر دانست در دست نیست. این نسخه غایب، یعنی نسخه منقول عنها و اصل را آرکه‌تایپ (archetype) می‌نامند.

---

13. Bengel, 1742, note 12, XIII.

14. Johann Albrecht Bengel, 1687-1752.

15. Metzger, 112.

### جز نسخه آرکه‌تایپ تعریف و تعیین مصداق نسخه‌های Hyparchetype Exemplar

یا Vorlage، یعنی نسخه‌هایی که از نسخه مادر مشتق شده و خود مادر خانواده‌ای مستقل از نسخه‌هایند، بسیار ارزش‌مند است. شاید در حوزه مخطوطات قرآن اصطلاح معادل چنین نسخه‌ای را بتوان نسخه «امام» گفت؛ مثلاً مصاحف فرستاده شده توسط عثمان به امصار در صورت وجود، یا نسخه‌ای از نسل آن مصاحف که خانواده‌ای از نسخه‌های موجود بعدی همگی از آن مشتق شده‌اند. در مورد نسخه‌های قرآن یک دسته‌بندی می‌تواند بر اساس اختلاف مصاحف امصار صورت پذیرد و مصاحفی را که همگی در اختلاف‌های گزارش شده برای یک منطقه خاص مشترک‌اند در یک خانواده قرار داد. ثمره این کار می‌تواند پدید آمدن یک *stemma codicum* یا شجره نسب باشد؛ به عنوان نمونه‌ای از تلاش برای بناکردن یک شجره نسب از نسخه‌های قرآنی، بر اساس اختلاف مصاحف امصار، می‌توان به کار مایکل کوک اشاره کرد. البته وی در این کار به جای تمرکز بر نسخه‌ها تنها بر گزارش‌های ابوعمر و دانی پیرامون اختلاف مصاحف امصار تمرکز کرده و برای یافتن نسخه آرکه‌تایپ (غایب یا منقول) آنها در میان مصاحف مربوط به شهرهای مختلف رفته و به این نتیجه رسیده است که احتمالاً نسخه کوفه نسخه آرکه‌تایپ بوده است.<sup>۱۶</sup>

### قرآن صنعاء و جایگاه آن در شجره نسب دست‌نویس‌های کهن قرآن

قرآن صنعاء یا پالیمپست<sup>۱۷</sup> کشف شده در مسجد اعظم صنعاء که هر دو لایه آن حاوی متن قرآن‌اند و اهمیت آن بدین جهت است که لایه زیرینش تنها نسخه‌ای است که امروز از متن غیر عثمانی در دست داریم و از این رو جایگاه سرنوشت‌سازی در شجره نسب نسخه-

16. Cook, Michael, 89-104.

۱۷. پالیمپست یا پالیمپست (palimpsest) از ریشه لاتین *palimpsestus*، «به معنای دوباره پاک کردن، به برگ‌هایی از مخطوط مصحف یا طومار اطلاق می‌شود که نوشته روی آن پاک شده است و دوباره روی آن نوشته شده باشد. پالیمپست می‌تواند حاوی چند لایه باشد و عمل پاک کردن متن و نوشتن دوباره چندبار روی آن انجام گرفته باشد. در بسیاری از پالیمپست‌ها، لایه یا لایه‌های زیرین هنوز هم قابل خواندن‌اند.

های خطی کهن قرآنی دارد. اگر آن چنان که صادقی و گودرزی پنداشته‌اند، این نسخه متعلق به یک صحابی باشد می‌توان آن را یک آرکه‌تایپ به حساب آورد؛ اما اگر نسخه‌ای مشتق شده از نسخه صحابی باشد نسخه‌ای مشتق شده از نسخه مادر (Hyparchetype) خواهد بود. اما چنانچه این گمانه را نپذیریم و آن را نسخه‌ای با اختلاف‌هایی متفاوت و کمی پرت از بقیه نسخه‌ها ببینیم که حاصل کار یک کاتب ناشی بوده است، خوانش‌های آن را اصطلاحاً *lectiones singulares* به حساب می‌آوریم که در میان باقی نسخه‌های به جا مانده از قرآن، منحصر به فرد است و بر طبق اصل حذف چنین خوانش‌هایی از دایره تصحیح یا اصطلاحاً *eliminatio lectionum singularium* می‌توان خوانش‌های آن را در تصحیح انتقادی متن نادیده گرفت. اما اگر نسخه‌های دیگری با خوانش‌های مشابه نسخه صنعاء یافت شود می‌توان آنها را در یک خانواده نسخه مشتق شده از یک آرکه‌تایپ که مصحف عثمانی هم به موازات آن قرار دارد بدانیم که البته تاکنون هیچ متنی مشابه با اختلاف‌های مشابه متن زیرین نسخه صنعاء یافت نشده است. بنابراین روشن است که تعیین جایگاه نسخه صنعاء در شجره نسب می‌تواند به نتایج کاملاً متفاوتی در تصحیح متن دست نویس‌های قرآنی منجر شود.

### مرحله دوم: *Emendatio* یا تصحیح متن

پس از دسته‌بندی و رتبه‌بندی و ترجیحاً ایجاد یک شجره‌نامه از نسخه‌ها و پیدا کردن نسخه‌های هم‌خانواده، دومین گام در روش لاکمان *Emendatio* به معنای تصحیح است. همان مرحله اول در روش لاکمان تعیین می‌کند که در میان شیوه‌های معمول برای تصحیح متن، مانند تصحیح بر مبنای نسخه اساس، تصحیح التقاطی، تصحیح بینابین و تصحیح قیاسی<sup>۱۸</sup> کدام روش را باید انتخاب کرد.

تصحیح قیاسی در مواردی کاربرد دارد که تنها یک نسخه از اثر بر جا مانده باشد؛ در

این صورت آن نسخه را «تنها نسخه» Codex unicus می‌نامند و در این صورت دیگر از مرحله گردآوری و دسته‌بندی (recension) خبری نیست و تنها مرحله تصحیح (Emendation) آن هم بر اساس دانش مصحح در زبان‌شناسی انجام می‌پذیرد که با وجود نسخه‌های فراوان قرآنی، این شیوه در تصحیح دست‌نویس‌های قرآنی ناکارآمد است.

به جهت تصحیح متن بر مبنای نسخه اساس لازم است که یک نسخه کامل به عنوان نسخه اساس یا codex optimus انتخاب شود. تعبیر لاتین codex optimus به معنای بهترین نسخه است. این که کدام نسخه «بهترین» نسخه است خود محل بحث است. اصولاً نسخه اساس یا بهترین نسخه را می‌توان در مرحله گردآوری و دسته‌بندی یا بررسی شجره نسب نسخه‌ها انتخاب کرد و در آن میان باید به دنبال بالاترین نسخه در نسب‌نامه و نزدیک‌ترین نسخه به نسخه مادر بود. نسخه اساس باید بهترین نسخه به جامانده از لحاظ کیفیت و برای ایجاد یک نسخه کامل مناسب باشد. چه بسا نسخه‌ای در شجره نسب در رده پایین‌تری نسبت به نسخه دیگر قرار گرفته باشد، اما دارای متن بهتری نسبت به متن قدیم‌تر باشد؛ یا ممکن است اوراقی پراکنده<sup>۱۹</sup> در رده بالاتری از نسخه اساس در شجره نامه قرار گیرند، اما از آن‌جا که این اوراق پراکنده را نمی‌توان به معنای واقعی کلمه نسخه‌ای مستقل (codex) خواند بنابراین نمی‌توانند به عنوان بهترین نسخه (codex optimus) انتخاب شوند و اساس کار تصحیح قرار بگیرند.

اما از آن‌جا که در میان نسخ کهن قرآن نمی‌توان نسخه‌ای را به عنوان اصیل‌تر و صحیح‌تر نسبت به سایر نسخ قلمداد کرد و یا حتی ضبطی را معتبر و مابقی ضبط‌ها را مردود دانست، شیوه التقاطی، مناسب‌ترین شیوه در تصحیح دست‌نویس‌های قرآنی کهن خواهد بود؛ چراکه روش التقاطی زمانی به کار می‌رود که نتوان یک نسخه را نسبت به سایر نسخه‌ها ارجح دانست و مصحح باید از میان ضبط‌های گوناگون نسخه‌های موجود به اجتهاد خود یک ضبط را برگزیند (selectio) و مابقی ضبط‌ها را در حاشیه یا پاورقی بیاورد.



شیوه بینابینی نیز برای تصحیح دست نوشته‌های قرآنی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا این شیوه ترکیبی است از تصحیح بر مبنای نسخه اساس و تصحیح التقاطی که بازهم به دلیل نبودن نسخه‌ای با عنوان نسخه اساس این شیوه ناممکن است.

بنابراین تلاش مصحح بر آن است که بهترین ضبط را در متن بیاورد در حالی که همه ضبط‌های دیگر محفوظ بمانند. در این مرحله، یعنی مرحله تصحیح باید دست به انتخاب زد و بهترین ضبط را در میان ضبط‌های گوناگون در نسخه‌های مختلف برگزید و در نسخه آورد که کاری است بس دشوار و در بسیاری مواقع به خصوص در متون مقدس ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر دشوار و بلکه ناممکن می‌نماید؛ چرا که یا همگی به وجهی معنادارند یا این که بر حسب جهت‌گیری‌های فرقه‌ای، مذهبی، تفسیری، ادبی و ... هر گروهی یک ضبط را معتبر و دیگری را مردود می‌داند. گاه نیز اعتقادات مذهبی حکم می‌کند که همه ضبط‌ها را معتبر بدانیم. بنابراین هم تلاش شده که اصول و قواعدی برای ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر وضع شود و هم این که سازوکاری یافت که بتوان با آن همه اختلاف نسخه‌ها را چنان ضبط کرد که گویا خواننده همه نسخه‌ها را در اختیار خود دارد.

### سازواره انتقادی در تصحیح متون

نخستین بار در قرن هجدهم میلادی آلبرشت بنگل اصطلاح Apparatus criticus را به معنای سازواره انتقادی در عنوان کتابش *Alberti Bengelii Apparatus criticus ad Novum Testamentum* به کار برد. عبارت لاتین apparatus criticus به معنای همان شیوه‌ای است که تمامی اختلاف نسخه‌های موجود را در برابر دیدگان خواننده قرار می‌دهد و گاهی نیز از آن به عنوان «شیوه هلموت ریتر»<sup>۲۰</sup> نیز یاد می‌شود؛ زیرا در جهان اسلام نخستین بار هلموت ریتر خاورشناس آلمانی شیوه سازواره انتقادی را با ایجاد تغییراتی اندک نسبت به آنچه در کتاب مقدس به کار می‌رفت، در مورد کتاب *سوانح العشاق* خواجه احمد

---

20. Hellmut Ritter, 1892-1971.

غزالی (د. ۵۲۰) به کار برد.<sup>۲۱</sup>

بسیاری از پژوهشگران غربی به دنبال ارائه نسخه‌ای انتقادی از قرآن برپایه کهن‌ترین نسخه‌های به جامانده از آن که بتواند مبنایی برای بازسازی محققانه آن قرار گیرد، بوده‌اند. قرآن پژوهانی چون گوتهلِف برگسترسر<sup>۲۲</sup> و آرتور جفِری<sup>۲۳</sup> که در مصر مشغول به کار و تحقیق بودند با الهام از فعالیت‌هایی که در آن زمان در مصر برای انتشار یک نسخه رسمی از قرآن انجام می‌گرفت، به فکر مطالعه قرائات و نسخ خطی قرآنی برای ارائه یک سازواره انتقادی از قرآن افتادند. برگسترسر در ششمین کنفرانس خاور شناسان آلمانی در وین<sup>۲۴</sup>، ایجاد یک سازواره انتقادی برای متن قرآن را که هم شواهدی از نسخ خطی و هم قرائات را در برگیرد، پیشنهاد کرد. پس از مطرح شدن این ایده با محققانی چون فیشر و ریتر، قرار شد کارگروهی با عنوان کارگروه قرآن<sup>۲۵</sup> در «آکادمی علوم باواریا»<sup>۲۶</sup> در مونیخ ایجاد شود تا به این کار پردازد. بنابر پیشنهاد برگسترسر، آکادمی علوم باواریا شروع به جمع‌آوری کلکسیون کاملی از تصاویر قرآن‌های کهن بر جامانده کرد. ابتدا برگسترسر در یک مقاله<sup>۲۷</sup> در سال ۱۹۳۰ و سپس اُتو پرتسل<sup>۲۸</sup> در مقاله‌ای دیگر<sup>۲۹</sup> در سال ۱۹۳۴ اهمیت بنانهادن یک سازواره انتقادی از متن قرآن را تبیین کردند. برگسترسر و پرتسل از نسخه‌های خطی قرآن از

---

۲۱. برای تفصیل رک. سوری، شیوه سازواره انتقادی در تصحیح نسخه‌های خطی؛ هم‌چنین، صلاح الدین المنجد، قواعد تحقیق المخطوطات، ۷ و ۸.

22. Gotthelf Bergsträsser 1886-1933.

23. Arthur Jeffery 1892-1959.

24. deutscher orientalistentag.

25. Korankommission

26. Bayerische Akademie der Wissenschaften

۲۷. عنوان مقاله برگسترسر چنین است:

G. Bergsträsser, Plan eines Apparatus criticus zum Koran, München 1930

28 O. Pretzl, 1893-1941.

۲۹. عنوان مقاله پرتسل چنین است:

O. Pretzl, *Die Fortführung des Apparatus Criticus zum Koran*, München 1934.

مجموعه‌هایی در برلین، استانبول، قاهره، مادرید، مکناس، پاریس و رباط بیش از ۱۰۰۰۰ عکس برداشتند؛ اما سه سال بعد برگشترسر در سال ۱۹۳۳ از دنیا رفت. پس از برگشترسر، پرتسل کارهای او را ادامه داد. با شروع جنگ جهانی دوم پرتسل به ارتش پیوست و هرگز به فعالیت‌های علمی‌اش باز نگشت. پس از پایان جنگ، آنتون اسپیتالر<sup>۳۰</sup> جانشین پرتسل شد و دیگر سخنی از ادامه کار آنها به میان نیامد.

از سوی دیگر هم‌زمان با تلاش‌های برگشترسر و پرتسل، آرتور جفری نیز مشغول فعالیت در طرحی مشابه بود. وی در کتابی که در سال ۱۹۳۵ منتشر کرد خلاصه‌ای از تلاش‌های صورت گرفته در ابتدای قرن بیستم برای بازسازی یک سازواره انتقادی از قرآن را ارائه کرد<sup>۳۱</sup> و سپس در کتاب دیگرش که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد،<sup>۳۲</sup> به بررسی مصاحف صحابه و تابعان در قرون اولیه اسلامی پرداخت و اولین گام‌ها را در راه ایجاد این سازواره انتقادی برداشت. وی هم‌چنین با طرح پژوهشی «آکادمی علوم باواریا» شروع به همکاری کرد، اما این اقدام چنان‌که پیش از این ذکر شد به چاپ یک ویرایش انتقادی از قرآن منجر نشد. آرتور جفری در کنفرانسی که در سال ۱۹۴۶ در اورشلیم برگزار شد اعلام کرد که تمام آرشیو جمع‌آوری شده توسط برگشترسر و پرتسل بر اثر بمباران شهر مونیخ از بین رفته است. این پروژه با مرگ جفری در سال ۱۹۵۹ به طور کامل به پایان رسید؛ اما واقعیت این بود که آرشیو میکروفیلم‌های مخطوطات قرآنی که پرتسل و برگشترسر پیش از جنگ جهانی دوم از بسیاری کشورهای اسلامی تهیه کرده بودند، طی جنگ از بین نرفته بود و در اختیار اسپیتالر در دانشگاه مونیخ قرار داشت. این گنجینه سال‌ها پیش به همت آنگلیکا نیوورت<sup>۳۳</sup> (کرسی مطالعات عربی در دانشگاه آزاد برلین) به دانشکده ادبیات عرب و زبان‌های سامی

---

30. Anton Spitaler, 1910-2003.

31. A. Jeffery, "Progress in the study of the Qurān text", *Muslim World*, 25 1935.

32. Materials for the history of the text of the Quran

33. Angelika Neuwirth

در دانشگاه برلین انتقال یافت و اخیراً در کنفرانسی در برلین وجود آن رسماً اعلام شد. در سال ۲۰۰۷ میلادی، انگلیکا نویورت، میساییل مارکس<sup>۳۴</sup> و نیکولای سینای<sup>۳۵</sup> پژوهشی را تحت عنوان کُرپوس کُرانیکوم<sup>۳۶</sup> در آکادمی علوم برلین-براندنبورگ<sup>۳۷</sup> آغاز کردند که محورهای تحقیقاتی آنها شامل ثبت و ضبط شواهد تاریخی قرآن (دست‌نوشته یا قرائت‌های مختلف)، جمع‌آوری متون تاریخی هم‌زمان و تفسیر ادبی و بر اساس ترتیب زمانی قرآن می‌شود. بخش عمده منابع کورپوس کورانیکم تصاویری است که برگشترسر و پرتسل جمع‌آوری کرده بودند، اما اعضاء این پروژه هم‌چنان به دنبال گسترش منابع خود هستند.<sup>۳۸</sup> بنابراین پیشنهادی را که برگشترسر در سال ۱۹۲۹ تحت عنوان «سازواره انتقادی قرآن»<sup>۳۹</sup> مطرح کرد؛ ۸۰ سال بعد در پروژه کورپوس کورانیکم دوباره از سر گرفته شد.

اما بحث در خصوص لزوم یا عدم لزوم تهیه نسخه‌ای انتقادی از قرآن بر اساس عرض دادن و مقابله کردن نسخه‌های خطی قرآنی به ویژه نسخه‌های قدیم‌تر و نویافته از قرآن، آن‌چنان‌که لزوم تغییر دیدگاه به متن دریافتی از کتاب مقدس با کشف نسخه‌های قدیم‌تری از آن، هم‌چون نسخه‌های سینائیه و واتیکانیه احساس شد، مبحثی است که مستلزم شناخت مفاهیم تخصصی در حوزه نسخه‌شناسی و تصحیح متون از یک سو و هم‌چنین درک تفاوت میان تصحیح انتقادی متون کلاسیک، کتاب مقدس و قرآن، به دلیل تفاوت ماهوی این متون در ساختار متن، شیوه‌های انتقال متن، ماهیت اختلاف‌های متنی نُسَخ مختلف و جز اینها است که چنین تفاوت‌هایی می‌تواند منجر به بار آمدن نتیجه‌ای متفاوت از تصحیح انتقادی

---

34. Michael Josef Marx

35. Nicolai Sinai

36. corpus coranicum

37. Berlin-Brandenburg Academy of Sciences and Humanities

۳۸. کار این پروژه منحصر به مستندسازی متن قرآن و یافتن و مقایسه نسخه‌های خطی قرآن نیست؛ در این پروژه در زمینه‌های دیگری از جمله گردآوری شواهد از دوران باستان متأخر و شرح ادبی - تاریخی سوره‌های قرآن نیز مشغول به کارند. برای اطلاعات بیشتر رک. <https://corpuscoranicum.de>

39. Apparatus Criticus zum Koran

قرآن نسبت به کتاب مقدس شود.

علاوه بر تفاوت کلی انتقال متون در جهان اسلام با شیوه انتقال متون کلاسیک در غرب و تأکید بر روایت شفاهی در کنار روایت مکتوب که پیش تر بدان اشاره شد، نسخه-های خطی قرآن وضعیت ویژه‌ای در مقایسه با نسخه‌های به جامانده از کتاب مقدس دارد. در نسخه‌های خطی فراوانی که امروزه از متن قرآن به جامانده، هیچ اختلاف متنی قابل ملاحظه‌ای که نشان دهنده دستبرد آگاهانه در متن باشد وجود ندارد. اختلاف میان نسخه‌ها در حد اختلاف‌های نگاره‌ای یعنی املاء و هجای متفاوت از متون تلاوت شده یکسان، اختلاف در شمارش آیات، اختلاف در نقطه‌گذاری یعنی إعجام یا إعراب کلمات است که به عنوان اختلاف قرائات در بین مسلمانان مشهور است. تنها نسخه حاوی اختلاف‌های متنی، متن پاک شده زیرین مصحف نویافته صنعاء است که آن چنان‌که گفته شد یک احتمال در مورد آن این است که نسخه‌ای باشد مغلوط و نگاشته شده به دست کاتبی ناکارآمد که محکوم به پاک شدن شده است وگرنه بایست گونه‌ای از اختلاف‌های گزارش شده برای مصاحف صحابه بوده باشد.<sup>۴۰</sup> به گفته ونزبرو: «حقیقتاً در قرآن اختلاف‌های متنی که نشان دهنده موارد انحراف از متن اصلی و رسمی باشد، آن چنان‌که در مورد متون مقدس یهودی و مسیحی در دست است؛ وجود ندارد».<sup>۴۱</sup>

بنابراین بنا نهادن چنین سازواره‌ای از متن قرآن نهایتاً می‌تواند گونه‌های احیاناً متفاوت از رسم الخط و املائی برخی از کلمات و هم‌چنین اختلاف‌هایی در محدوده اختلاف قرائات و هم‌چنین تفاوت‌ها در نظام شمارش آیات و اختلاف‌های اندک دیگر را در کنار یکدیگر به دست دهد.

۴۰. نک. وحیدنیا، ۱۱۴-۱۱۹.

41. Wansbrough, 203.

## اختلاف نسخه‌ها

اساسا اختلاف نسخه‌ها یا به دلیل خطاهای سهوی کاتبان هنگام استنساخ متن است و یا ناشی از تغییرات آگاهانه و عامدانه‌ای است که کاتبان در هنگام رونویسی متن در آن اعمال می‌کنند. خطاهای نگارشی در استنساخ نسخه بسیار رایج‌اند. البته توجه به ویژگی‌های خاص خط عربی در مقایسه با خط لاتین و یونانی می‌تواند تفاوت‌هایی را در نوع این خطاها در نسخه‌های عربی نسبت به نسخه‌های لاتین، یونانی و غیره ایجاد کند، فی‌المثل در نسخه‌های لاتین به دلیل متصل نبودن حروف به یکدیگر با طیف گسترده‌تری از این خطاها نسبت به نسخه‌های عربی مواجه‌ایم.<sup>۴۲</sup> اما به هر حال چنین خطاهایی در نسخه‌های عربی و حتی نسخه‌های قرآنی هم کم نیستند. در گزارش‌های سنتی مسلمانان روایاتی در خصوص وجود لحن و خطا در مصحف دیده می‌شود که برخی از ویژگی‌های متنی قرآن را که توجیه آن به لحاظ نحوی دشوار به نظر می‌رسد، به خطای کاتبان مصاحف نسبت داده‌اند.<sup>۴۳</sup> در نسخه صنعاء موارد بسیاری از اشتباهات نگارشی کاتب را می‌توان دید که همان‌طور که پیش از این اشاره شد به نظر می‌رسد این مصحف نسخه‌ای کتابت شده به دست کاتبی غیر حرفه‌ای و کم‌اطلاع بوده باشد. شاید خطاهای نگارشی در نسخه صنعاء بسیار فراوان باشد، اما محدود به این نسخه نیستند و در نسخه‌های کهن غالباً می‌توان انواع خطاهای مربوط به کاتبان را مشاهده کرد؛ چرا که کار استنساخ متن کاری انسانی است و احتمال خطا در آن هرگز صفر نیست. در قرآن‌های خطی بسیار متأخر که توسط کاتبانی به نام و کاملاً حرفه‌ای نگاشته شده‌اند نیز شاهد اشتباهات گاه و بیگاه کاتب هستیم که بعضاً توسط خود کاتب اصلاح شده‌اند؛ برای مثال در قرآن موجود در گنجینه قرآن‌های خطی کاخ گلستان به خط محمد علی تبریزی به سال ۱۳۱۱ که به شهادت انجامه آن دهمین قرآن

42. Housman, Livff.

۴۳. برای نمونه نک. سجستانی، ۴۱-۴۳؛ فراء، ۱۸۳/۲؛ ابوعبید، ۲۸۷.

نوشته شده به دست کاتب است<sup>۴۴</sup> شاهد اشتباهات نگارشی متعددی هستیم. افتادگی‌هایی از یک حرف گرفته تا یک کلمه و دو کلمه و گاه حتی یک سطر و دو سطر که اکثر آنها به علت تکرار و تشابه کلمات و خطای چشم کاتب پیش آمده است.<sup>۴۵</sup> در اکثر قریب به اتفاق قرآن‌های خطی مربوط به ادوار مختلف تاریخی می‌توان نمونه‌هایی از خطاهای انسانی در نگارش را یافت.

شناخت انواع خطاهای نگارشی می‌تواند به تشخیص ضبط صحیح کمک کند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که هرگز یک خطای نگارشی سهوی را نباید یک اختلاف نسخه یا یک قرائت و خوانش متفاوت تلقی کرد. از سویی نیز شیوه خاص کاتب در هجای کلمه‌ای خاص را که متفاوت از دیگر نسخه‌هاست نباید یک اشتباه نگارشی به حساب آورد. ممکن است چنین تفاوتی ناشی از رأی و نظر خاص کاتب در نحوه نشان دادن آن واژه به خصوص باشد که این می‌تواند یک اختلاف در رسم الخط به حساب آید و نه یک خطای نگارشی؛ مثلاً در همان نسخه کتابخانه کاخ گلستان، نگارش «جزاء» به جای «جزاؤا» یا نگارش «مثواه» به جای «مثنویه» یک اشتباه نگارشی نیست که باید تصحیح شود، بلکه می‌تواند نظر خاص کاتب در نحوه نشان دادن این کلمات باشد. هرچند در مواردی نیز داوری در خصوص این‌که تفاوت‌ها ناشی از اشتباهات نگارشی است و یا یک اختلاف کاری دشوار است؛ مثلاً در مواردی که با یک پایان آیه خاص مواجه می‌شویم که اندکی عجیب به نظر می‌رسد به راحتی نمی‌توان رأی داد که این پایان آیه از سهو کاتب بوده یا یک اختلاف در شمارش آیات است. و یا فی المثل نگارش کلمه «فاصبر» به جای «واصبر» در همان نسخه کاخ گلستان<sup>۴۶</sup> را نه می‌توان به آسانی خطای سهوی کاتب و نه یک وارینت و اختلاف نسخه تلقی کرد.

۴۴. خسروی، ۵۶.

۴۵. همو، ۵۷ و ۵۸.

۴۶. همو، ۶۱.

در ادامه به برخی از انواع خطاهای نگارشی معمول در نسخه‌های خطی به طور کلی و نسخه‌های قرآنی به طور خاص اشاره می‌شود:

۱. جهش نگاه از عبارتی به عبارت مشابه Saut du me'me au me'me یا parablepsis یک نوع معمول در خطاهای نگارشی هنگام استنساخ نسخه می‌تواند جهش نگاه از یک کلمه به کلمه‌ای مشابه آن در همان صفحه باشد به گونه‌ای که منجر به از قلم افتادن بخش میان این دو قسمت مشابه شود. اگر جهش نگاه از یک کلمه به کلمه‌ای با حروف ابتدایی یکسان باشد آن کلمه را اصطلاحاً Homoeoarcton می‌نامند و اگر کلمات با حروف انتهایی یکسان باشند آنها را homoeoteleuton می‌نامند.<sup>۴۷</sup> نمونه‌ای از چنین خطایی را می‌توان در پالیمپست صنعاء مشاهده کرد، جایی که آیه ۸۵ سوره توبه به طور کامل در این مصحف از قلم افتاده است. احتمالاً دلیل چنین از قلم افتادگی جهش نگاه از «...ون» پیش از یک آیه‌نما و تک‌واژ «و» در انتهای آیه ۸۴ به «...ون» پیش از یک آیه‌نما و تک‌واژ «و» در انتهای آیه ۸۵ باشد.<sup>۴۸</sup>

۲. سقط و افتادگی به دلیل تکرار در متن اصلی haplography/ lipography از دیگر موارد خطای نگارشی سقط و افتادگی یک حرف یا یک کلمه به دلیل تکرار آن در کنار هم است که کاتب به اشتباه یک بار حرف یا کلمه را نگارش می‌کند در حالی که باید دو بار می‌نوشته است.

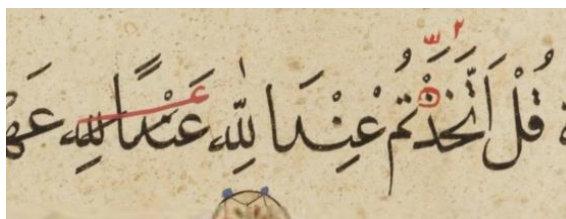
۳. تکرار نا به جای یک حرف یا کلمه Dittography عکس مورد پیشین، خطایی است که کلمه یا حرفی که بایست یک بار نوشته شود دو بار کتابت شود، یعنی تکرار نابه جای یک حرف یا یک کلمه. شاید نمونه‌ای از چنین خطایی در مصاحف قرآنی خطای کاتب در نگارش آیه ۴۲ سوره حجر در مصحف صنعاء باشد که کاتب احتمالاً به جای نوشتن «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان» علیهم را دوبار کتابت

47. West, 24.

48. Goudarzi, 23.



کرده باشد: «ان عبادی لیس علیهم لک علیهم سلطان».<sup>۴۹</sup> البته نمونه هایی از این خطا در قرآن‌های متأخر فراوان است که غالباً کلمه دوباره کتابت شده خط خورده است. در زیر نمونه‌ای از تکرار سهوی کلمه عبارت «عند الله» در مصحفی به تاریخ ۱۰۲۸ محفوظ در دانشگاه کمبریج نشان داده شده است.



تکرار سهوی عبارت «عند الله» در قرآن دانشگاه کمبریج به تاریخ ۱۰۲۸ هجری

#### ۴. افتادگی و سقط Lacuna

از معمول‌ترین خطاها در هنگام استنساخ نسخه از قلم افتادن بخشی از متن است. مواردی از این قبیل را فراوان می‌توان در نسخه‌ها مشاهده کرد. نمونه‌هایی از این افتادگی را در نسخه شماره ۱۸ محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی می‌توان در افتادگی کلمه «قوما» در آل عمران ۸۶ و افتادگی کلمه «بقوة» در بقره ۶۳ مشاهده کرد که بعداً توسط کسی دیگر در بالای سطر اضافه شده است. چنین خطاهایی بازهم در نسخه‌های ادوار مختلف تاریخ بسیار شایع است.



نسخه شماره ۱۸ آستان قدس رضوی

#### ۵. پس و پیش شدن یک عبارت با عبارت دیگر Metathesis

پس و پیش شدن یک عبارت با عبارت دیگر یا کلمه‌ای با کلمه دیگر نیز از موارد معمول در بین خطاهای سهوی نگارشی است. نمونه‌ای از این مورد می‌تواند جابه‌جا بودن ترتیب آیات ۳۱ و ۳۲ سوره طه در مصحف صنعاء باشد.<sup>۵۰</sup>

#### اصول و قواعدی برای ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر

علاوه بر خطاهای نگارشی سهوی که تعدادی از آنها را برشمردیم دسته دیگر از اختلاف‌ها ناشی از دستبردهای آگاهانه و عامدانه کاتبان در متن است. کاتبان مثلاً به منظور بهبود متن یا اعمال سلیقه و اجتهاد شخصی در نوع خاصی از نگارش یا قرائت و ... تغییراتی در متن اعمال کرده‌اند. در نسخه‌های خطی قرآنی چنین اختلاف‌هایی بیش‌تر در محدوده اختلاف قرائات، یعنی نحوه اعراب کلمات، شمارش آیات و اختلاف در رسم الخط یک واژه خاص است. تنها دست‌نویس قرآنی کهن حاوی اختلاف‌هایی فراتر از موارد یاد شده، لایه زیرین و پاک شده پالمپست صنعاء است. اگر این نسخه را در تصحیح انتقادی متن معتبر بدانیم، یعنی در مرحله اول از روش لاختمان آن را به دلیل تک و پرت بودن اختلافاتش از دایره تصحیح حذف نکنیم، می‌توان از اصول و قواعد ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر که بازم در اروپا و در طی قرون اخیر وضع شده‌اند در مرحله تصحیح متن و انتخاب ضبط مرجح و یا اصطلاحاً *examinatio* برای گزینش میان ضبط‌های متفاوت موجود در متن زیرین پالمپست صنعاء و یا ضبط رسمی موجود در دیگر نسخه‌ها بهره برد. در ادامه به برخی از این اصول و قواعد اشاره می‌شود:

#### ۱. رجحان قرائت دشوارتر به آسان‌تر (*lectio difficilior potior (or melior)*)

یکی از اصول ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر که باز هم توسط آلبرشت بنگل پیشنهاد شد رجحان قرائت دشوارتر به قرائت آسان‌تر و یا اصطلاحاً *lectio d ifficilior*

potior (or melior) است، چراکه فرض بر این است که قرائت اصلی پیچیده‌تر بوده و کاتبان بعدی آن را تسهیل کرده‌اند.<sup>۵۱</sup> یا قرائتی که هارمونی کم‌تری با مابقی متن دارد نیز به عنوان قرائت اصلی تلقی می‌شود که بعداً جهت هماهنگ شدن با متن تغییر یافته است. نمونه‌ای از کاربرد چنین اصلی را می‌توان در نظام شمارش آیات در نسخه‌ها مشاهده کرد؛ مثلاً جایی از متن را که به دلیل عدم هارمونی با مابقی پایانه‌های آیات انتظار نمی‌رود پایان آیه باشد، علامت پایان آیه دیده می‌شود، اما در نسخه دیگری کاتب تصور کرده که با جابه‌جا کردن آن می‌تواند در آیه هارمونی ایجاد کند و بدین منظور جای علامت پایانی آیه را تغییر داده است. در این گونه موارد ضبط مرجح ضبطی است که از هارمونی کم‌تری برخوردار است.<sup>۵۲</sup> اما این احتمال را هم نباید از نظر دور داشت که پایان آیه ناهمگون ممکن است به دلیل سهو کاتب باشد و ممکن است گاهی اشتباه نگارشی کاتب کلمه را به کلمه‌ای دشوار و سخت خوان تبدیل کرده باشد که لزوماً ضبط اصلی این‌گونه نبوده است.

۲. ترجیح ضبط کوتاه‌تر و غامض‌تر بر ضبط طولانی‌تر lectio brevior, lectio

potior

از دیگر اصول در ترجیح ضبط‌ها که بازهم توسط اروپاییان یعنی یاکوب گریزباخ<sup>۵۳</sup> در تصحیح متن پیشنهاد شده، قاعده ترجیح ضبط کوتاه‌تر و غامض‌تر بر ضبط طولانی‌تر است.<sup>۵۴</sup> این اصل بر این نظر استوار است که کاتبان اصولاً برای بهبود یا توضیح متن، بیشتر مایل به افزودن به آن هستند تا حذف بخشی از آن، این‌که کاتب جهت توضیح بیشتر عباراتی به متن افزوده باشد (عبارات تفسیری) محتمل است. البته باید توجه کرد که ضبط

51. Metzger, 112.

۵۲. نمونه‌هایی از پایان آیه‌های متفاوت چه هماهنگ با پایان آیه‌های هم‌جوار و چه ناهماهنگ را فرانسوا دروش (François Déroche) در مصحف پاریس پترزبورگ آورده است (نک. Déroche, 26, 28).

53. Johann Jakob Griesbach, 1745-1812.

۵۴. امید سالار، ۱۳۹۶، ۱۶.

کوتاه‌تر به دلیل افتادگی یا از قلم افتادن بخشی از متن نباشد؛<sup>۵۵</sup> برای نمونه در پالیمپست صنعاء پس از عبارت «لَا تُتَفَقُّوْا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰی يَنْفَضُوْا» در آیه ۷ سوره منافقون عبارت «مِنْ حَوْلِهِ» اضافه شده است.<sup>۵۶</sup> که بنابر این اصل، متن رسمی متن ارجح است، نه متن مصحف صنعاء.

### ۳. ترجیح ضبط بر اساس سبک کلی اثر *usus scribendi*

در کنار این شیوه‌ها در ترجیح ضبط‌ها می‌توان به شیوه *usus scribendi* نیز به معنای انتخاب ضبط بر اساس سبک و ژانر اثر اشاره کرد.<sup>۵۷</sup> برای مثال گونه خاصی از قواعد نحوی یا املاء و هجای<sup>۵۸</sup> یک کلمه در دیگر جاهای متن می‌تواند به نفع یک قرائت خاص یا یک رسم الخط معین شهادت دهد.

مواردی که برشمردیم از شواهد درون متنی<sup>۵۹</sup> برای ترجیح یک ضبط بر ضبط دیگر است غیر از اینها می‌توان از شواهد برون متنی<sup>۶۰</sup> نیز بهره جست. شواهد برون متنی نیز می‌تواند مواردی غیر از نسخه‌های خطی باشد، چون سنگ نوشته‌ها، کتیبه‌ها، متون هم دوره غیر قرآنی، گزارش‌ها و روایات اسلامی و جز اینها؛ اما همواره باید در نظر داشت که قواعد گفته شده، اصولی تغییر ناپذیر و صد در صدی نیستند و باید با احتیاط و هوشیاری از آنها بهره برد.

### نتیجه

نسخه متداولی که امروزه از قرآن در دسترس همگان است حاصل تلاش علمای الازهر برای فراهم آوردن یک نسخه منقح و رسمی است که در سال ۱۹۲۳ به طبع رسید. مبنای این

55. Metzger & Erman, 166-167.

56. Goudarzi, 21.

57. Stussi, 14.

58. orthography

59. internal evidence

60. external evidence

نسخه تنها روایت حفص از قرائت عاصم است و در تدوین آن دیگر قرائات و روایات چه رسمی و چه شاذ لحاظ نشده‌اند. رسم الخط این مصحف نیز با تکیه بر گزارش‌های کُتب رسم المصحف و هجای مصحف (هم‌چون کتاب المقنع ابو عمر و الدانی) که عموماً از قرن چهارم به بعد به رشته تحریر در آمده، انتخاب شده است. در حالی که یک انتخاب دیگر در طبع نسخه رسمی از قرآن می‌توانست نسخه‌ای رسمی بر مبنای تصحیح انتقادی متن دست نوشته‌های کهن قرآنی باشد که تمامی اختلاف نسخه‌ها را در خود داشته باشد.

سازواره انتقادی بنا شده از قرآن می‌تواند تمامی اختلاف قرائت‌هایی را که از طریق روایت مکتوب در نسخه‌های به جامانده از قرآن محفوظند در اختیار خواننده قرار دهد. علاوه بر اختلاف قرائات و اختلاف‌هایی در خصوص شمارش آیات، چنین سازواره‌ای می‌تواند گونه‌های مختلف رسم الخط و هجای مصحف را بر مبنای آن چه که کاتبان نخستین قرآن‌ها در سده‌های نخست اسلامی می‌نگاشته‌اند در اختیار محققان قرار دهد. چنین نسخه‌ای می‌تواند مبنای کار برای محققان در مطالعه قرائات و رسم الخط قرآن باشد و همه مکاتب مختلف قرآنی و شماره‌گذاری آیات (عَدَّالْآی) و رسم الخط را که در قرون اولیه اسلامی رواج داشته‌اند در برابر دیدگان پژوهشگران قرار دهد.

در صورت اقدام برای ارائه یک سازواره انتقادی از دست‌نویس‌های کهن قرآنی و آن هم با روش‌ها و اصولی که اساساً در غرب و غالباً برای تصحیح کتاب مقدس مسیحیان با تمام ویژگی‌های خاص نسخه‌های خطی آن وضع شده‌اند، نتیجه کار هرگز با آن چه که از بنا نهادن سازواره انتقادی برای کتاب مقدس به دست آمده یکسان نخواهد بود؛ چراکه برغم نسخه‌های به‌جا مانده از کتاب مقدس نسخه‌های قرآنی کهن حاوی اختلاف متنی قابل ملاحظه‌ای نیستند و افزون بر این نباید اهمیت روایت شفاهی در کنار روایت مکتوب در انتقال متن قرآن را از نظر دور داشت. با این همه تعریف و فهم دقیق و تعیین مصداق اصطلاحات و روش‌های موجود در تصحیح انتقادی متن در خصوص نسخه‌های به‌جامانده از قرآن بسیار خطیر و پراهمیت است. چنان‌که هرگونه بدفهمی و یا تعیین نادرست

مصادیق چنین اصطلاحاتی همانند آنچه که در تشخیص تفاوت خطاهای نگارشی با اختلاف‌های متنی گفتیم، می‌تواند نتیجه‌ای متفاوت به بار آورد. هم‌چنین در مرحله تعیین جایگاه نسخه‌ها در شجره نسب، مثلاً در خصوص نسخه صنعاء که می‌تواند منجر به نتایج کاملاً متفاوتی در نسخه انتقادی شود. به این صورت که یا کاملاً از دایره تصحیح انتقادی حذف شود و یا این‌که به عنوان نسخه‌ای مهم و یک شاخه جداگانه در شجره نسب نقش مهمی را در ایجاد نسخه مصحح ایفا کند. بنابراین تعریف دقیق اصطلاحات و مفاهیم و تعیین مصداق آنها در نسخه‌های قرآنی، نخستین گام در این مسیر خواهد بود.

### کتابشناسی

- ابن سلام الجمحی، محمد، طبقات فحول الشعراء، تحقیق محمود محمد شاکر، قاهرة، دار المعارف. ابو عبید، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، تحقیق مروان عطیة و دیگران، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۵هـ.
- امید سالار، محمود، «تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین»، آینه میراث، سال ۴، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.
- امید سالار، محمود، «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد: پیشنهاداتی در باب اصطلاحات فن تصحیح متن»، آینه پژوهش، شماره ۱۶۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶.
- جهانبخش، جويا، راهنمای تصحیح متون، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۴ش.
- خسروی، محمد علی، «شیوه تصحیح نسخه خطی قرآن اوقاف»، میراث جاویدان، سال ۱۳، شماره ۵۱. سجستانی، عبدالله بن ابی داود سلیمان بن الأشعث، المصاحف، تحقیق القمحاوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۵م.
- سوری، محمد، «شیوه سازواره انتقادی در تصحیح نسخه‌های خطی»، دو فصلنامه پژوهش، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق أحمد یوسف النجاتی وآخرون، مصر، دار المصریة للتألیف و الترجمة.
- منجد، صلاح الدین، قواعد تحقیق المخطوطات، بیروت، دار الکتب الجدید، ۱۹۸۷م.

همو، روش تصحیح نسخه‌های خطی، ترجمه حسین خدیوچم، درباره تصحیح متون، آینه میراث، سال ۱، شماره ۳ و ۴.

وحیدنیا، آلاء، «تاریخ‌گذاری مخطوطات قرآنی در پرتو روش‌های نوین علمی (آزمایش کربن ۱۴)»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۲ شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷.

Bengel, Johann Albrecht, *Gnomon Novi Testamenti*, Tübingen, 1742.

Idem, *Alberti Bengelii Apparatus criticus ad Novum Testamentum*, Tubingae, sumtibus Io. Georgii Cottae, Editio secunda, 1763.

Bergsträßer, Gotthelf, *Plan eines Apparatus criticus zum Koran*, München, 1930.

Bloom, Jonathan, M., *Paper before Print, the History and Impact of Paper in the Islamic World*, Yale University Press, New Haven and London, 2001.

Cook, Michael, "the Stemma of the Regional Codices of the Koran", *Graeco-Arabica* 9,10, 2004, 89–104

Déroche, François, *Qur'ans of the Umayyads, A First Overview*, Leiden, Brill, "Leiden Studies in Islam and Society", 2014.

Goudarzi, Mohsen, & Behnam Sadeghi, "Şan 'ā' 1 and the Origins of the Qur'ān", *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients* 87i-ii, 2012.

Housman, A. E., ed. *M. Manilii: Astronomicon, Liber Primus*. London, 1903.

Jeffery, Arthur, *Materials for the History of the Text of the Quran*, 1937.

Idem, "Progress in the Study of the Qurān Text", *Muslim World*, 25, 1935.

Maas, P., *Textual Criticism*, Trans. B. Flower. Oxford, 1958.

Metzger, B. M., *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption, and Restoration*, 3rd ed. Oxford, 1992.

Metzger, Bruce M. & Ehrman, Bart D., *The Text of the New Testament, Its Transmission, Corruption, and Restoration*, Fourth Edition, 2005.

O. Pretzl, *Die Fortführung des Apparatus Criticus zum Koran*, München, 1934.

Stussi, Alfredo, *La Critica del Testo*, Bologna, il Mulino, 1985.

Wansbrough, John, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, ed. Andrew Rippin, New York, Prometheus Books, 2004.

West, Martin L., *Textual Criticism and Editorial Technique Applicable to Greek and Latin Texts*, Stuttgart, Teubner, 1973.